

Taking Advantage of Social Control as Social Capital in Crime Prevention; With an Attitude towards Islamic Teachings

Mohadeseh Ghavamipour Sereshkeh¹, Amirreza Mahmoudi²

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities¹, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Iran,
Lahijan (corresponding author)

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Lahijan, Iran, Lahijan

Abstract

In this article, the role of social control as a form of social capital in crime prevention is studied and these concepts are analyzed with emphasis on Islamic teachings. First, the concept of social capital and the main approaches related to it, especially in the field of crime prevention, are introduced and then they are adapted according to modern theories and Islamic teachings. In the following, referring to Islamic concepts such as enjoining good and forbidding evil, as well as the influence of religious institutions such as mosques and clerics in creating and strengthening social capital, a comparative analysis of these teachings with modern theories has been done. This research shows that Islamic teachings, in addition to being consistent with modern theories of social capital, can be used as an effective framework to prevent crime and strengthen social solidarity in Islamic societies. Finally, the results of this research are ended by presenting practical examples from Islamic societies such as Malaysia and Iran, where Islamic teachings have been used to reduce crime.

Keywords: social capital, trust, crime prevention, social control, Islamic teachings.

Received: 02/08/2024

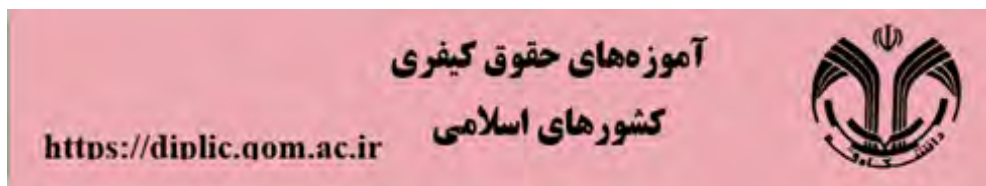
Accepted: 01/09/2024

How To Cite: Mohadeseh Ghavamipour Sereshkeh, Amirreza Mahmoudi, (2024). Taking Advantage of Social Control as Social Capital in Crime Prevention; With an Attitude towards Islamic teachings, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (3), 69-88.
doi.org/10.22091/delic.2024.11112.1020

Published by: University of Qom

©,The Author(s)

Article type: Research



بهره‌گیری از کنترل اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم؛ با نگرشی به آموزه‌های اسلامی

محدثه قوامی پور سرشکه،^۱ امیررضا محمودی^۲

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، ایران، لاهیجان (نویسنده مسئول)

mohadesehghavamipour@gmail.com

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، ایران، لاهیجان

amirreza.mahmodi@gmail.com

چکیده

در این مقاله، نقش کنترل اجتماعی به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم مورد بررسی قرار گرفته و این مفاهیم با تأکید بر آموزه‌های اسلامی تحلیل شده است. ابتدا، مفهوم سرمایه اجتماعی و رویکردهای اصلی مرتبط با آن، به ویژه در زمینه پیشگیری از جرم، معرفی شده و سپس با توجه به نظریه‌های مدرن و آموزه‌های اسلامی تطبیق داده شده‌اند. در ادامه، با استناد به مفاهیم اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر و همچنین تأثیر نهادهای مذهبی مانند مساجد و روحانیون در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی، به تحلیل تطبیقی این آموزه‌ها با نظریات مدرن پرداخته شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی، علاوه بر همخوانی با نظریه‌های مدرن سرمایه اجتماعی، می‌توانند به عنوان یک چارچوب مؤثر در پیشگیری از جرم و تقویت همبستگی اجتماعی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرند. در نهایت، نتایج این پژوهش با ارائه نمونه‌های عملی از جوامع اسلامی مانند مالزی و ایران که در آن‌ها از آموزه‌های اسلامی برای کاهش جرم استفاده شده است، به پایان می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، اعتماد، پیشگیری از جرم، کنترل اجتماعی، آموزه‌های اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

استناد: محدثه قوامی پور سرشکه؛ امیررضا محمودی، (۱۴۰۳). بهره‌گیری از کنترل اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم؛ با نگرشی به آموزه‌های اسلامی، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۳)، ۸۸-۶۹.

doi.org/10.22091/dclic.2024.11112.1020

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

پس از دوران صنعتی شدن، تغییرات سریع در عرصه اجتماعی، مشکلات زیادی را به همراه داشته است. سنت‌های قدیمی دچار افت چشمگیری از منظر اعتبار شده‌اند و مکانیزم‌های اساسی تفکر جمعی همچون همیاری و همبستگی در جامعه متلاشی گردیده است (درویش، ۱۴۰۱: ۱۰۰). با آغاز دوره جدید، الگوهای تفکر جدید که منافع فردی را در اولویت قرار می‌دهند، در حافظه جمعی جامعه جای گرفته و احساسات، انتظارات و منافع دیگران به حاشیه رانده شده است. بنابراین، شیوه زندگی جدیدی که دوران مدرن به همراه داشته، همراه با حسرت برای دوران گذشته ادامه می‌یابد.

افراد با کمک منابع اطلاعاتی خارجی مانند رسانه‌ها و محیط اجتماعی، روز به روز با مشکلات اجتماعی جدیدی روبه‌رو می‌شوند و راهکارهای مختلفی برای مقابله با آنها ابداع می‌کنند. پدیده جرم که فرد همواره درگیر آن است و از دیدگاه پارادایم کارکردگرایی حتی به پیشرفت اجتماعی نیز کمک می‌کند، از ابتدای وجود انسان یکی از مهمترین مسائلی بوده که انسان ناگزیر از مقابله با آن بوده است (علی‌وردی نیا، ۱۳۹۳: ۴۲- قادر زاده، زارع زردینی، زارعی محمود آباد، ۱۴۰۱: ۱۴۰). بشریت گاهی با تکیه بر مجازات‌های مذهبی و گاهی از طریق قوانین حقوقی نوشته شده، روش‌های جایگزینی را برای بازداشتن افراد از ارتکاب جرم ابداع کرده است. سرمایه اجتماعی که از مفاهیم محبوب دوران اخیر است، می‌تواند بخشی از این تلاش‌ها برای یافتن راه حل‌های جدید برای مشکلات پیش رو تلقی شود.

۱. مفهوم سرمایه اجتماعی

اگر مؤلفه‌های تشکیل دهنده مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند، مشخص می‌شود که این مفهوم قبلاً نیز توسط متفکران مختلفی مطرح شده است. از این منظر، اگر به ریشه‌های این مفهوم نظر کنیم، خواهیم دید که ردپای آن به متفکران برجسته‌ای چون آدام اسمیت،^۱ کارل مارکس،^۲ امیل دورکیم،^۳ الکسیس د توکویل،^۴ تورستن ویلن^۵ و ماکس وبر^۶ می‌رسد (KOSGEB, 2005:1).

مفهوم سرمایه اجتماعی اولین بار در اوایل قرن بیستم توسط هانیفان^۷ در توصیف مراکز اتحادیه خانواده مدارس روستایی استفاده شد. در سال‌های بعد، جیکوبز^۸ (۱۹۶۵) در اثر خود با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» از این اصطلاح استفاده کرد.

1. Adam Smith
2. Karl Heinrich Marx
3. David Émile Durkheim
4. Alexis Henri C M Clerel Tocqueville
5. Thorstein Veblen
6. Max Weber
7. L. J. Hanifan
8. Jacobs

(Fukuyama, 1999:27). با این حال، این مفهوم پس از دهه ۱۹۸۰ با مطالعات کلمن (۱۹۸۸، ۱۹۹۴)، پاتنام^۱ (۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰) و فوکویاما^۲ (۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵) به شهرت امروزی خود دست یافت. علاوه بر این، تحقیقات انجام شده در سطح بین‌المللی توسط بانک جهانی نیز به گسترش این مفهوم کمک کرد (عباس زاده، علیزاده اقدم، اسلامی، ۱۳۹۱، ۱۴۷). در حال حاضر، تعداد زیادی پایان نامه، مقاله و کتاب در سطح ملی و بین‌المللی در مورد سرمایه اجتماعی و کارکردهای آن منتشر شده است. امروزه سرمایه اجتماعی به مفهومی تبدیل شده که در بسیاری از رشته‌ها از جمله جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Arrow, 1999:3). گرچه در ابتدا این نگرانی وجود داشت که سرمایه اجتماعی صرفاً یک «مفهوم مد روز» باشد که پس از مدتی فراموش خواهد شد، اما با گذشت زمان مشخص شد که این مفهوم روح عصر را دریافته و روز به روز در دنیای علم محبوبیت بیشتری پیدا کرده است (Akdoğan, 2006:165).

این مفهوم به‌طور خلاصه با این عبارت توضیح داده می‌شود: "روابط اهمیت دارند". قدرت و اهمیت روابط در این است که می‌تواند به میزان قابل توجهی به فرد در غلبه بر چالش‌ها و محدودیت‌های مختلفی که در زندگی با آن روبه‌رو است، کمک کند (Field, 2006:1). نمونه‌های ساده این موضوع به‌طور مکرر در زندگی روزمره دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، هنگام جستجوی پزشک برای درمان یا خرید خودرو، معمولاً به دنبال افرادی قابل اعتماد، صادق و متخصص در کار خود هستیم و در این زمینه از قدرت روابط بهره می‌بریم.

۲. رویکردهای اصلی سرمایه اجتماعی

کلمن^۳ سرمایه اجتماعی را «سازمان‌های اجتماعی که دستیابی به اهداف خاصی را که در غیر این صورت دستیابی به آنها غیرممکن یا تنها با هزینه‌های بالا امکان پذیر است، تسهیل می‌کنند» تعریف می‌کند (Coleman, 1994: 304). کلمن که یکی از نظریه پردازان برجسته سرمایه اجتماعی است، معتقد است که این سرمایه سه عنصر اساسی شامل انتظارات، کانال‌های اطلاعاتی و هنجارها دارد. منظور کلمن از انتظارات و تعهدات این است که یک نفر با این انتظار که در آینده دیگری به او پاسخ خواهد داد، کاری را انجام می‌دهد و در نتیجه انتظاری در خود و نیز تعهدی در آن دیگری برای انجام کار نیک در برابر کار نیک انجام شده ایجاد می‌شود. کلمن به‌عنوان مثال، به موقعیتی اشاره می‌کند که یک فروشنده در زمان معامله، بدون نیاز به پرسیدن از وجود موجودی در بانک، با این فرض که چک مشتری پشتوانه دارد، کالاهای مورد نظر مشتری را به او می‌فروشد و با اتکا به دریافت پول از مشتری، اقدام به سرمایه گذاری‌های جدید می‌کند (Coleman, 1988:102). اما ادامه این متقابل بودن، به این بستگی دارد که طرفین رفتارهایی را از خود بروز ندهند که اعتماد یکدیگر را خدشه دار کند.

جلسات قرعه کسی وام در محلات یا جمع فامیل یا دوستان و ... که در بسیاری از مناطق کشور ما رایج است، نمونه دیگری از

1. Putnam
2. Fukuyama
3. Coleman

این موضوع است. در این جلسات، مبلغ مشخصی پول توسط اعضای گروه از طریق قرعه کشی یا با در نظر گرفتن نیازهای فردی جمع آوری شده و هر ماه به فرد تعیین شده پرداخت می‌شود. در این شرایط، افرادی که بدون عذر موجه از پرداخت به موقع پول خودداری کنند، تعادل انتظارات-تعهدات را برهم می‌زنند و از گروه اخراج شده و اعتبار خود را از دست می‌دهند.

عنصر دوم در تفسیر کلمن از سرمایه اجتماعی، کانال‌های اطلاعاتی^۱ است. در زندگی روزمره، چه متوجه باشیم چه نباشیم، هر روز اطلاعات جدید مهم یا غیرمهمی را فرا می‌گیریم. گاهی این اطلاعات می‌تواند چیزهایی مانند اطلاعیه آزمون، آگهی شغلی یا اطلاعات در مورد هر موضوع دیگری باشد که نیاز به یادگیری آنها داریم. به عنوان مثال، یادگیری یک موضوع از طریق یک شخص آگاه به جای خواندن ده ها مقاله و کتاب، هم از نظر زمانی و هم از نظر مالی برای ما صرفه جویی ایجاد می‌کند. به جای پیگیری روزانه صفحات آگهی‌های شغلی روزنامه‌ها برای یک آگهی شغلی، می‌توان از طریق آشنایان به این اطلاعات دست یافت. یک عنصر دیگر از سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن، هنجارها و تنبیهات مؤثر^۲ است. تنبیهات اعمال شده بر متخلفان از هنجارها و ارزش‌ها، مزایای زیادی را برای افراد به ارمغان می‌آورد. به عنوان ساده‌ترین مثال، بسیاری از رفتارهای منفی مانند شلوغ بازی جوانان در خیابان یا صحبت کردن با صدای بلند در آپارتمان، به دلیل قدرت نهفته هنجارها و تنبیهات جلوگیری می‌شود. بنابراین، از نظر کلمن، هنجارهای تجویزی^۳ یک جزء سرمایه اجتماعی هستند که افراد را به فداکاری برای منافع و نیازهای محیط اطراف، فراتر از منافع، علایق و اقدامات صرفاً فردی ترغیب می‌کنند (Coleman, 1988: 104).

کلمن که سرمایه اجتماعی را در یک چارچوب خانوادگی ارزیابی می‌کند، تلاش می‌کند تا تأثیر آن را از طریق ویژگی‌هایی مانند بزرگی خانواده، اشتغال والدین، موقعیت مادر در فرآیند تحصیل فرزندان، تحرک خانواده و نزدیکی به نهادهای مذهبی تعیین کند. بنابراین، سرمایه اجتماعی به‌ویژه در فرآیند رشد و تکامل کودکان و نوجوانان، به عنوان یک منبع مؤثر و کارآمد ارزیابی می‌شود (Coleman, 1994: 110).

یکی از ویژگی‌های متمایز کلمن این است که برخلاف بوردیو^۴، سرمایه اجتماعی را منحصر به گروه‌های خاصی نمی‌داند. از نظر او هم کسانی که به توسعه سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند و هم افرادی که تلاشی در این زمینه نکرده‌اند، از آن بهره‌مند می‌شوند. شاید پرنفوذترین اندیشمند نظریه سرمایه اجتماعی، پاتنام باشد که علاقه او به این مفهوم در کتاب عملیاتی کردن دموکراسی: سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن^۵ که به نقش مشارکت عمومی در تأمین ثبات سیاسی و رفاه در ایتالیا می‌پردازد، آشکار می‌شود (امینی دادانی، موسوی، رفیعی، ۱۳۹۰: ۲۱۰). پاتنام تفاوت در سطح توسعه یافتگی بین مناطق شمالی و جنوبی ایتالیا را با مشارکت عمومی توضیح می‌دهد. پاتنام (۱۹۹۵، ۲۰۰۰: ۲۰۰۱) که سرعت مطالعات سرمایه اجتماعی را در آمریکا افزایش داد، شهرت خود

1. Information channels

2. Norms and effective sanctions

3. Prescriptive

4. Bourdieu

5. Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy

را از طریق این مطالعات به دست آورد. او در کتاب بولینگ تنها^۱ به کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه آمریکا طی چند دهه اخیر اشاره کرده است. پاتنام نیز همانند کلمن سرمایه اجتماعی را تفسیر کرده است. از نظر او سرمایه اجتماعی به «ویژگی‌های سازمان‌های اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کنند» اشاره دارد (Putnam, 1995:664-665; al., 1993:167). سرمایه اجتماعی که با یکپارچگی هماهنگی تلقی می‌شود از دیدگاه پاتنام سه عنصر اساسی دارد: هنجارهای متقابل^۲ شبکه‌های مشارکت مدنی^۳ و اعتماد اجتماعی (Putnam et al., 1993; 169-173). (Putnam, 2001:1).

پاتنام در زمینه جایگاه و تأثیر هنجارها در بستر سرمایه اجتماعی، رویکردی مشابه با کلمن دارد. پاتنام همانند آنچه که کلمن «تعهدات و انتظارات» می‌نامد، به هنجارهای متقابل اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که این می‌تواند به دو شکل باشد. یکی متقابل بودن عام است، همان‌طور که در مثال مادری که با سرمایه‌گذاری بر فرزندانش، انتظار دارد که در آینده دور از آنها مراقبت کنند. دیگری متقابل بودن خاص است که شامل معاوضه هدایای با ارزش مشابه در فواصل زمانی نزدیک به یکدیگر است. در اینجا انتظار می‌رود که متقابل بودن خاص در مقایسه با متقابل بودن عام، سرمایه اجتماعی بیشتری تولید کند (Özbay, 2008:405).

یکی دیگر از تأکیدات پاتنام در تبیین سرمایه اجتماعی، شبکه‌های مشارکت مدنی است (عشایری، عباسی، دوالفقاری، ۱۳۹۹: ۷۱). پاتنام تأکید می‌کند که شبکه‌های اجتماعی که در آن افراد در فعالیت‌هایی مانند فعالیت‌های سیاسی، جلسات عمومی، مراسم و اجتماعات مذهبی، جلسات محل کار، فعالیت‌های مؤسسات خیریه و اقدامات جمعی مانند ارائه درخواست دسته جمعی که منافع اجتماعی را دنبال می‌کنند، از عوامل اصلی ایجاد سرمایه اجتماعی هستند (Putnam, 2000, 91). جامعه‌ای که با چنین فعالیت‌هایی مشخص می‌شود، توسط پاتنام «جامعه مدنی»^۴ نامیده می‌شود. در این جامعه، بین شهروندان حقوق و تعهدات برابر، اعتماد به یکدیگر، همیاری، همبستگی و تساهل وجود دارد (Putnam et al., 1993:87-89).

تأکید دیگر پاتنام بر اعتماد است. زیرا نبود اعتماد در یک جامعه می‌تواند برای هم نهادها و هم افراد معایب زیادی داشته باشد. در حالی که اعتماد به دیگری در قراردادهای، معاملات و به‌طور کلی در تسهیل زندگی روزمره نقش مهمی ایفا می‌کند (Fisher and Brown, 1989:109). پاتنام استدلال می‌کند که شرایط غیرعادی مانند جنگ و سوانح طبیعی می‌تواند یک عامل افزایش دهنده وحدت، همیاری، همبستگی و در نتیجه تجمع سرمایه اجتماعی باشد. پاتنام با اشاره به افزایش احساس «ما بودن» در آمریکا در پایان سال ۲۰۰۱ به دنبال حملات انتحاری شارون و حملات افغانستان در مقایسه با سال‌های قبل، این دیدگاه خود را تأیید می‌کند (Putnam, 2002, 40-45).

1. Bowling Alone
2. Norms of reciprocity
3. Networks of civic engagement
4. Civic community

اگرچه بوردیو در مطالعات کلی خود جایگاه چندانی برای سرمایه اجتماعی قائل نشده است، اما یکی از متفکرانی است که به نظریه سرمایه اجتماعی کمک کرده است. حوزه کار اصلی او به طور عمده نابرابری‌ها و طبقات اجتماعی ناشی از آن است. بوردیو در توضیح ساختار و عملکرد عرصه اجتماعی، تأکید می‌کند که ارزیابی سرمایه صرفاً از دیدگاه اقتصادی کافی نیست و انواع دیگر سرمایه‌ها باید در تبیین‌های ساختار اجتماعی در نظر گرفته شود (Bourdieu, 2010:47). بنابراین، علاوه بر سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی و انواع دیگر سرمایه در توضیحات بوردیو درباره ماهیت روابط اجتماعی جایگاهی دارند.

بوردیو سرمایه اجتماعی را با توجه به روابط بین کنشگران یا بین کنشگر و گروه‌ها بنیان نهاده و آن را اینگونه تعریف می‌کند: «مجموعه منابع واقعی یا بالقوه‌ای که از طریق داشتن یک شبکه پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخته شدن متقابل، برای یک فرد یا یک گروه به دست می‌آید»؛ به عبارت دیگر مجموع قدرت‌ها و سرمایه‌هایی که چنین شبکه‌ای امکان بسیج آنها را فراهم می‌کند (Zhong, 2009:55).

در رویکرد بوردیو به سرمایه اجتماعی، نهادهای سازشی، شبکه‌ها و دستاوردهای حاصل از آنها مورد تأکید قرار می‌گیرند (Bourdieu, 2010:63). یکی از مهمترین جنبه‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه بوردیو، امکان تبادل آن با انواع دیگر سرمایه است. بنابراین، با تجمع سرمایه اجتماعی، افزایش سرمایه فرهنگی یا نمادین فرد نیز ممکن است (Portes, 1998:4). اما بوردیو سرمایه اجتماعی را بیشتر یک فرصت مناسب برای نخبگان می‌داند. او معتقد است که سرمایه اجتماعی ابزاری است که طبقه ممتاز برای تداوم برتری خود از آن استفاده می‌کند (Field, 2006:27).

فوکویاما که برای مطالعات سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد جایگاه ویژه‌ای دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۶)، در تعریف این مفهوم بیشتر به شاخص‌های سرمایه اجتماعی توجه می‌کند و سرمایه اجتماعی را «مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای ضمنی که توسط اعضای یک گروه به اشتراک گذاشته می‌شود و به آنها اجازه همکاری را می‌دهد» تعریف می‌کند. فوکویاما اشاره می‌کند که چیزهایی مانند اعتماد، مشارکت در جامعه مدنی که به عنوان متغیرهای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند، در واقع نتیجه سرمایه اجتماعی هستند (Fukuyama, 1999:24).

با این حال، از نظر فوکویاما برای سرمایه اجتماعی مولد، هنجارها باید ارزش‌های مثبتی مانند صداقت و مسئولیت‌پذیری را در بر داشته باشند. در غیر این صورت، یعنی اگر هنجارها فاقد اخلاقیات باشند، او معتقد است که به تولید سرمایه اجتماعی کمکی نخواهند کرد (Fukuyama, 1997:379).

فوکویاما از مزایای زیادی برای سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید. به ویژه در زندگی اقتصادی، منافع قابل توجهی وجود دارد. تجمع سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه‌های بسیاری از معاملات، منافع اقتصادی برای افراد به همراه دارد. از طرف دیگر، فوکویاما گاهی اشاره می‌کند که سرمایه اجتماعی نیز مانند انواع دیگر سرمایه می‌تواند ابزاری برای ناهنجاری‌ها باشد. او تأکید می‌کند که بروز احساس همبستگی افراطی در گروه‌های کوچک و رویکرد بی‌اعتمادی نسبت به افراد خارج از گروه‌های اولیه، می‌تواند مشکلات اجتماعی زیادی مانند رفتارهای واسطه‌گری و پارتی‌بازی را به همراه داشته باشد (Fukuyama, 2001:8). از نظر فوکویاما، مهم‌ترین

محدودیت در زمینه سرمایه اجتماعی، نحوه اندازه گیری آن است. او معتقد است که در مورد چگونگی اندازه گیری علمی سرمایه اجتماعی، اجماعی وجود ندارد (Fukuyama, 2001:12).

تقدس بخشیدن مفهوم سرمایه اجتماعی به برخی مفاهیم مانند همبستگی و اعتماد تا حدی می‌تواند مشکل ساز باشد. گرچه در شرایط عادی، این ارزش‌ها امری معقول و مطلوب هستند، اما گاهی می‌توانند منجر به پیامدهای منفی شوند (خراسانی، مسعود، شکرچی زاده، ۱۴۰۱: ۳۱۹-۳۱۹: ۱۳۸۴). مشهورترین نمونه این امر، رفتار و منش گروه‌های جنایتکار سبک مافیایی است. در گروه‌های کوچکی که ارزش‌ها و احساساتی مانند تحمل، همدلی، عشق و احترام به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند، همبستگی و اعتماد می‌توانند منبع اصلی طرد و آزار دیگران باشند. برای جلوگیری از تعمیم این معضل به کل اندیشه سرمایه اجتماعی، باید سرمایه اجتماعی را در دو بخش مورد بررسی قرار داد.

طبقه‌بندی پاتنام از سرمایه اجتماعی به دو دسته سرمایه اجتماعی پیوندی^۱ و پل زننده^۲ برای رفع این معضل یا توضیح آن اهمیت دارد. سرمایه اجتماعی پیوندی یا به عبارت دیگر همبستگی محور، به عنوان ساختار اجتماعی‌ای در نظر گرفته می‌شود که افراد یک جامعه را به سمت اهداف مشترک از طریق همکاری هدایت می‌کند (Özen & Aslan, 2006:132). بنابراین، در این شکل از سرمایه اجتماعی، گرایش به ساختار همگن گروهی و گاهی طرد دیگران قابل مشاهده است. جنبه‌های مثبت آن، همیاری و همبستگی به همراه سطح بالای احساس اعتماد است. افراد از سرمایه اجتماعی پیوندی برای یافتن شغل، دریافت حمایت مادی و معنوی بهره می‌برند. جنبه منفی آن می‌تواند تولید دشمنی‌ها و گاهی منجر به رفتارهای واسطه‌گری و نابرابری‌ها شود. سرمایه اجتماعی پل زننده در ساختارهایی دیده می‌شود که به ناهمگنی اهمیت می‌دهند و روابط را به هویت‌های قومی، مذهبی و غیره تقلیل نمی‌دهند. سرمایه اجتماعی پیوندی به اعضای گروه این امکان را می‌دهد تا از «قدرت پیوندهای ضعیف» که گرانتر^۳ از آن یاد می‌کند، بهره‌مند شوند (کلارک، آک، ۱۳۸۸: ۴۵-۵۱).

در این شکل از سرمایه اجتماعی، افراد نسبت به کسانی که از سرمایه اجتماعی پیوندی برخوردارند، در دستیابی به فرصت‌ها و اطلاعات خارج از گروه، مزایای قابل توجهی کسب می‌کنند. اما نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که سرمایه اجتماعی به طور کلی یک نوع سرمایه مثبت است. با این حال، همانند انواع دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند تا حدی مورد سوء استفاده قرار گیرد.

۳. سرمایه اجتماعی، جرم و پیشگیری از آن

در دوره اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک راهکار برای درمان بسیاری از مشکلات در نظر گرفته می‌شود. سرمایه اجتماعی در بخش‌های متعددی از اقتصاد گرفته تا بهداشت، از آموزش و پرورش تا امنیت، به عنوان یک نیروی جایگزین حضور دارد (احمدی

1. Bonding
2. Bridging
3. Granovetter

شاپور آبادی، معین آبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۱-۱۹۳). در بسیاری از مطالعاتی که بر رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم متمرکز هستند، به این نکته اشاره شده است که سرمایه اجتماعی می‌تواند یک منبع جدید برای پیشگیری از جرم باشد (Altun, 2011؛ Fukuyama, 1999؛ Putnam, 2000؛ Portes, 1998؛ Messner et al., 2004؛ Lochner et al, 1999؛ Lederman et al., 2002؛ Rosenfeld et al. Salmi and Kivivuori, 2006).

به‌ویژه استفاده از نظریه کنترل اجتماعی برای پیشگیری از جرم، یکی از پیشنهادات جرم‌شناسان است. کنترل به نظارت رفتارهای افراد توسط عوامل درونی و بیرونی اشاره دارد. به‌طور خاص، پارادایم کنترل اجتماعی بر محدودکننده‌های بیرونی متمرکز است و به نقش محیط اجتماعی در جلوگیری از رفتارهایی که به‌عنوان منفی ارزیابی می‌شوند، اشاره می‌کند. یکی از نظریه‌پردازان مهم پارادایم کنترل اجتماعی، هیرشی^۱ است که معتقد است کنترل اجتماعی از طریق خانواده، گروه‌های همسالان و مؤسسات آموزشی تأمین می‌شود (İçli & Burcu, 1993:44).

هیرشی از چهار مؤلفه کنترل اجتماعی یعنی تعلق، تعهد، مشارکت و باور سخن می‌گوید (Hirschi, 1972:16). تعلق به جامعه و ارزش‌ها و هنجارهای آن مربوط به احساس نزدیکی افراد به محیط اطرافشان است. احساس عشق، احترام و تعلق به دیگران، توجه به انتظارات آنها را ایجاب می‌کند. بنابراین، عدم درک این احساسات از سوی فرد، منجر به عدم احاطه و کنترل نشدن از سوی دیگران می‌شود (Hirschi, 1972:18). در این شرایط، این عامل افزایش دهنده احتمال ارتکاب جرم به شمار می‌آید.

کنترل اجتماعی بیشتر از طریق قواعد غیررسمی نظیر آداب و رسوم، سنت‌ها و هنجارهای موجود در جامعه تأمین می‌شود. در جامعه، در صورت رفتارهای نامناسب و مردود افراد، دیگران آنها را با واکنش‌هایی مانند سرزنش، طرد، محرومیت و... مجازات می‌کنند. این امر به فرد این امکان را می‌دهد که قبل از ارتکاب جرم، موازنه سود و زیان آن را مجدداً بررسی کند و در نهایت فرد اغلب به دلیل نخواستن تنبیه از سوی عزیزانش، از رفتار منفی دوری می‌جوید (K. zmaz, 2005:165).

تأثیر احتمالی کنترل اجتماعی بر افراد در رویداد مشاهده شده توسط ژاکوبز^۲ به وضوح دیده می‌شود. در این رویداد، ژاکوبز به حساسیت و واکنش محیط در برابر تلاش یک مرد برای بردن اجباری یک دختر بچه اشاره می‌کند و می‌گوید این رفتار مانع شده است (Jacobs, 1965:48-49). بنابراین می‌توان استدلال کرد که اقدامات منفی افراد نه تنها تحت تأثیر خود فرد، بلکه گروه اطرافش نیز قرار می‌گیرد. در شرایطی که فرصت‌ها و منافع مشابهی برای ارتکاب جرم وجود دارد، اگر فرد بداند که اطرافیانش، جرم او را تأیید نمی‌کنند و ممکن است با تنبیه‌هایی مواجه شود، از ارتکاب آن منصرف می‌شود (نوغانی دخت بهمنی، میرمحمدتبار، ۱۳۹۴: ۸۹-نیز، شفاعی مقدم، شادفر، ۱۳۹۰: ۱۴۳). از این رو، می‌توان گفت کنترل اجتماعی غیررسمی به برقراری نظم کمک می‌کند. در نتیجه این گونه روابط که در آن کنترل اجتماعی برقرار است، اعتماد متقابل افراد افزایش می‌یابد و حس فداکاری برای هموعان شکل می‌گیرد.

سالمی^۱ و کیویوری^۲ در مطالعه‌ای که ارتباط بین متغیرهای زیادی از جمله کنترل اجتماعی در بستر سرمایه اجتماعی و جرم را بررسی کردند، به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی از رفتارهای پرخطرانه در کودکان پیشگیری می‌کند (Salmi & Kivivuori, 2006:130-134).

پورتس^۳ نیز با اشاره به ارتباط بین جرم و سرمایه اجتماعی، بر این نکته تأکید می‌کند که کنترل اجتماعی، فرصت‌های مهمی را برای خانواده‌ها، مریبان و نیروهای امنیتی برای حفظ نظم در میان افراد تحت سرپرستی‌شان فراهم می‌کند و از این طریق به جنبه دیگری از مکانیسم کنترل اشاره می‌کند (Portes, 1998:9-10). با این حال، برای اعمال مؤثر کنترل اجتماعی، خانواده‌ها باید معیارهایی مانند توجه با کیفیت به فرزندان، داشتن زمان، اراده و توانایی مناسب برای جلوگیری از اشتباهات کودکان را داشته باشند (Gottfredson & Hirschi, 2003:248 -Dolu, 2010: 275-76) نبود این موارد و برداشت افراد از کنترل اجتماعی به‌عنوان یک اجبار، می‌تواند نتایج معکوس داشته باشد.

پاتنام^۴ به همبستگی بین کمبود سرمایه اجتماعی و نرخ جرائم اشاره می‌کند. او ادعاهای خود را بر پایه رابطه منفی بین نرخ قتل‌های خشونت‌آمیز در آمریکا و متغیر اعتماد از شاخص‌های سرمایه اجتماعی استوار می‌سازد (Putnam, 2000:308; 2001:12). فوکویاما نیز تحلیل‌های خود را بر اساس داده‌های اجتماعی انجام می‌دهد. از نظر او، برخی داده‌ها در ساختار اجتماعی نشانگر وجود و برخی دیگر نشانگر فقدان سرمایه اجتماعی هستند. نرخ جرائم نیز از نظر فوکویاما از نشانه‌های فقدان سرمایه اجتماعی است. بنابراین از منظر فوکویاما می‌توان گفت که مناطقی که جرائم در آنها فراوان است، از نظر تجمع سرمایه اجتماعی ضعیف هستند (Fukuyama, 1999:33-34).

مطالعات بسیاری این فرضیه را تأیید می‌کنند. یکی از آنها مطالعه لدرمن^۵ و همکاران است که نشان می‌دهد بین افزایش اعتماد در میان اعضای جامعه و کاهش جرائم خشونت‌آمیز، رابطه معناداری وجود دارد (Lederman et al., 2002:510). گالیا^۶ و همکاران نیز در مطالعه خود در آمریکا دریافتند که در مناطقی با سطح اعتماد بالاتر، نرخ قتل پایین‌تر است (Galea et al., 2002: 1381). در مطالعه مسنر^۷ و همکاران نیز اشاره شده که نه تنها اعتماد از شاخص‌های سرمایه اجتماعی، بلکه مشارکت اجتماعی^۸ نیز می‌تواند عامل کاهش نرخ قتل باشد (Messner et al., 2004:300). در مورد ایتالیا، گاتی^۹ و همکاران ارتباط بین مشارکت سیاسی -

1. Salmi
2. Kivivuori
3. Portes
4. Putnam
5. Lederman
6. Galea
7. Messner
8. civic engagement
9. Gatti

اجتماعی، همبستگی و اعتماد با جنایات اطفال را بررسی کردند. نتایج نشان داد احساس تعلق و وابستگی به جامعه که به انسجام اجتماعی کمک می‌کند، نقش مهمی در دور نگه داشتن کودکان از جرائم دارد (Gatti et al., 2003:22, 25). علاوه بر این، در مطالعات متعدد دیگر ارتباط بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جرم بررسی شده و به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی می‌تواند منبع مهمی برای پیشگیری از جرم باشد (Akçomak & Weel, 2008).

بسیاری از جرم‌شناسان از نظریه کنترل اجتماعی برای پیشگیری از جرم توصیه می‌کنند. کنترل به نظارت بر رفتارهای افراد توسط عوامل درونی و بیرونی اشاره دارد. به‌ویژه پارادایم کنترل اجتماعی بر محدودیت‌های بیرونی متمرکز است و به نقش محیط اجتماعی در جلوگیری از رفتارهای نامطلوب فرد توجه می‌کند. در یک مطالعه انجام شده در کشور ترکیه، سرمایه اجتماعی انباشته شده در دوران ۱۲ تا ۱۸ سالگی افراد محکوم به جرائم کودکان و نوجوانان و افراد عادی جامعه بررسی شده و تأثیر آن بر رفتار جنایی مورد بحث قرار گرفته است (Altun, 2011, 12-19). داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نظرسنجی با ۷۳۱ نفر، نشان می‌دهد که بین دو گروه از نظر متغیرهای سرمایه اجتماعی تفاوت‌های معناداری وجود دارد. در اینجا به برخی از یافته‌های این مطالعه اشاره خواهد شد.

ابتدا از نظر یکی از شاخص‌های اساسی وجود سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد به دیگران، بین دو گروه تفاوت‌های معناداری وجود داشت. ۱۳ درصد از افراد عادی اعتقاد داشتند که مردم معمولاً قابل اعتماد هستند، حدود ۷۶ درصد معتقد بودند که در روابط باید محتاط بود و ۷/۱۰ درصد معتقد بودند مردم قابل اعتماد نیستند. در میان مجرمان، حدود ۹ درصد معتقد بودند مردم قابل اعتماد هستند، حدود ۵۵ درصد معتقد بودند که در روابط باید محتاط بود و بیش از ۳۵ درصد معتقد بودند که مردم قابل اعتماد نیستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از نظر ضعف احساس اعتماد به دیگران، تفاوت‌های قابل توجهی بین دو گروه وجود دارد.

یکی دیگر از متغیرهای سرمایه اجتماعی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته، مقیاسی است که زمان گذرانده شده با خویشاوندان و همسایگان، ملاقات‌های متقابل و فعالیت‌های مشترک را در بر می‌گیرد. در محدوده نمرات ۸ تا ۳۲، میانگین برای افراد مجرم ۱۶/۳۸ و برای افراد عادی ۲۰/۹۵ بود. بنابراین افراد عادی، زمان بیشتری را با خویشاوندان و همسایگان می‌گذرانند. مقیاس دیگری که شامل سؤالاتی در مورد عضویت در باشگاه‌ها، گروه‌ها، گروه‌های کُر و تیم‌های مدرسه و پیک‌نیک با دوستان بود و وضعیت دو گروه را از نظر زمان گذرانده شده با دیگران در مدرسه به صورت مشارکتی بررسی کرد. در محدوده نمرات ۸ تا ۳۲، میانگین برای افراد عادی ۱۸/۷۹ و برای مجرمان ۱۴/۷۵ بود. از این نظر می‌توان گفت که افراد عادی از لحاظ سرمایه اجتماعی غنی‌تر هستند. بین دو گروه از نظر گذراندن زمان با خانواده در مهمانی‌ها، آخر هفته‌ها، تعطیلات رسمی، مراسم و جشن‌ها تفاوت‌های معناداری وجود داشت. در محدوده نمرات ۶ تا ۲۴، میانگین افراد عادی ۱۹/۳۴ و میانگین مجرمان ۱۵/۶۵ بود. همچنین از نظر توجه ویژه از سوی خانواده مانند کمک در درس‌ها، رازگویی، رفتن به سینما، نیز تفاوت‌های معناداری بین دو گروه مشاهده شد. در محدوده نمرات ۶ تا ۲۴، میانگین افراد عادی ۱۵/۲۹ و برای مجرمان ۱۱/۲۳ بود. از نظر همیاری و همبستگی در محیط زندگی با خانواده در محدوده نمرات ۰ تا ۷، میانگین افراد عادی ۶/۳۳ و میانگین مجرمان ۴/۵۶ بود (Altun, 2011, 19-25). بنابراین میانگین‌های متغیرهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در افراد عادی بالاتر است و به همین دلیل تصور می‌شود که سرمایه اجتماعی می‌تواند در کاهش جرم

نقش مهمی داشته باشد.

۴. سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی

سرمایه اجتماعی در اسلام به‌عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه‌سازی و تقویت همبستگی اجتماعی مطرح است. در آموزه‌های اسلامی، مفاهیمی همچون اعتماد (توکل)، همبستگی اجتماعی (اتحاد و تعاون) و کنترل اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) اهمیت ویژه‌ای دارند. این مفاهیم نه تنها به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی و دینی، بلکه به‌عنوان اصولی برای ایجاد یک جامعه پایدار و امن در نظر گرفته می‌شوند. در اسلام، اعتماد به خداوند (توکل) و اعتماد میان افراد جامعه به‌عنوان پایه‌های اساسی سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند. این اعتماد باعث تقویت ارتباطات اجتماعی و ایجاد همبستگی میان افراد می‌شود. همچنین، اتحاد و تعاون که به معنای همکاری و همیاری میان افراد جامعه است، از دیدگاه اسلام به شدت توصیه شده و به‌عنوان یکی از ابزارهای تقویت سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. کنترل اجتماعی نیز از طریق آموزه‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر به اجرا در می‌آید، که نقش مهمی در هدایت افراد به سوی رفتارهای مثبت و پیشگیری از اعمال ناپسند دارد (افسری، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلامی، به‌طور مستقیم به مفاهیم مرتبط با سرمایه اجتماعی پرداخته است. برخی از آیات کلیدی که می‌توانند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرند، به شرح زیر هستند:

تعاون (همکاری و همیاری): قرآن در سوره مائده، آیه ۲ تأکید می‌کند: [وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ]. این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که در کارهای نیک و تقوا همکاری کنند و از همکاری در گناه و تجاوز دوری کنند. این توصیه به تعاون و همکاری، پایه‌ای برای ایجاد همبستگی و اتحاد اجتماعی است که به تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

اعتماد به خدا و مردم: قرآن در آیاتی مانند سوره آل عمران، آیه ۱۵۹، بر اهمیت اعتماد به خداوند و همچنین مشورت با مردم تأکید می‌کند: [فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقُلُوبُ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ]. این آیه علاوه بر تشویق به اعتماد به خدا، به مشورت و همکاری میان افراد جامعه نیز اشاره دارد که از ارکان سرمایه اجتماعی است.

امر به معروف و نهی از منکر: یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی که به کنترل اجتماعی مرتبط است، امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن در سوره آل عمران، آیه ۱۰۴ می‌فرماید: [وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ]. این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که دیگران را به انجام کارهای نیک دعوت کرده و از کارهای بد بازدارند، که این خود نوعی از کنترل اجتماعی است و به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند.

این آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهند که اسلام به‌طور جامع به مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی پرداخته و بر تقویت آن تأکید ویژه‌ای دارد. این مفاهیم نه تنها در بعد نظری بلکه در عمل نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به جوامع اسلامی دارند و می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم و تقویت همبستگی اجتماعی به کار گرفته شوند (حمیدی زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

۵. تحلیل آموزه‌های اسلامی در رابطه با کنترل اجتماعی

۵-۱. امر به معروف و نهی از منکر: پایه‌های کنترل اجتماعی در اسلام

امر به معروف و نهی از منکر از مفاهیم بنیادی در آموزه‌های اسلامی هستند که به‌طور مستقیم به کنترل اجتماعی و تقویت هنجارهای اجتماعی مرتبط می‌شوند. این دو مفهوم، که به ترتیب به معنای دعوت به کارهای نیک و بازداشتن از کارهای بد است، نقش اساسی در ساختار اجتماعی جوامع اسلامی دارند. در واقع، این آموزه‌ها ابزارهایی هستند که از طریق آن‌ها مسلمانان به حفظ و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای دینی و اجتماعی تشویق می‌شوند.

- تقویت سرمایه اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر: سرمایه اجتماعی، به‌عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد میان افراد جامعه تعریف می‌شود که همکاری و همبستگی را تقویت می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر با ترویج رفتارهای نیک و کاهش رفتارهای ناپسند، نه تنها هنجارهای اجتماعی را تقویت می‌کنند، بلکه به ایجاد اعتماد و همبستگی میان افراد جامعه کمک می‌کنند. وقتی اعضای یک جامعه به‌طور فعال در ترویج و حفظ هنجارهای اخلاقی و اجتماعی مشارکت می‌کنند، اعتماد متقابل میان آن‌ها افزایش می‌یابد، که این امر به نوبه خود به تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

- کاهش جرم و کنترل اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند به‌عنوان مکانیزم‌های کنترل اجتماعی عمل کنند. این دو مفهوم، افراد را به رعایت هنجارهای اجتماعی و دوری از رفتارهای مجرمانه تشویق می‌کنند. از آنجا که این آموزه‌ها بر مبنای ارزش‌های دینی استوار هستند و از سوی همه افراد جامعه مورد پذیرش و احترام قرار می‌گیرند، تأثیرگذاری آن‌ها در کنترل رفتارهای اجتماعی بسیار بالاست. در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر به درستی اجرا شود، میزان جرائم کاهش یافته و افراد بیشتر به سمت رفتارهای مطلوب و مقبول اجتماعی هدایت می‌شوند. این کنترل اجتماعی که از درون جامعه نشأت می‌گیرد، با تقویت ارزش‌های مشترک، همبستگی و انسجام اجتماعی را تقویت کرده و در نتیجه جرم و انحرافات اجتماعی را کاهش می‌دهد (افسری، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۱۳).

۵-۲. نقش روحانیون و نهادهای مذهبی در کنترل اجتماعی

در جوامع اسلامی، روحانیون و نهادهای مذهبی نقش کلیدی در تعلیم، ترویج و حفظ ارزش‌های اسلامی دارند. این نهادها از دیرباز به‌عنوان مراکز قدرت نرم اجتماعی شناخته شده‌اند که می‌توانند به‌طور مؤثر به تقویت سرمایه اجتماعی و کنترل اجتماعی بپردازند.

- نقش تعلیم و ترویج ارزش‌های اسلامی: مساجد و سایر نهادهای مذهبی، مکان‌هایی هستند که در آن‌ها آموزش‌های دینی و اخلاقی به مردم داده می‌شود. این نهادها با برگزاری نمازهای جماعت، خطبه‌های جمعه، جلسات مذهبی و آموزشی و سایر فعالیت‌های دینی، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را در جامعه تقویت می‌کنند. روحانیون به‌عنوان رهبران دینی، مردم

را به پیروی از اصول اسلامی و رعایت اخلاق در زندگی روزمره تشویق می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد یک حس مشترک از هویت و هدف در جامعه شود که از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی است.

- کنترل اجتماعی و هدایت جامعه: روحانیون و نهادهای مذهبی علاوه بر تعلیم و ترویج ارزش‌های اسلامی، نقش نظارتی و کنترلی نیز ایفا می‌کنند. آن‌ها از طریق خطبه‌ها، سخنرانی‌ها و ارتباط مستقیم با افراد جامعه، به اصلاح رفتارهای ناهنجار و هدایت مردم به سوی رفتارهای پسندیده می‌پردازند. این نهادها می‌توانند از طریق ارشاد و مشاوره، افراد را از گرایش به رفتارهای انحرافی و مجرمانه بازدارند و در نتیجه به کاهش میزان جرم و انحرافات اجتماعی کمک کنند.

- تقویت همبستگی و شبکه‌های اجتماعی: نهادهای مذهبی و روحانیون، از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان افراد جامعه، به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند. این شبکه‌ها شامل گروه‌های اجتماعی، حلقه‌های دینی و جوامع محلی است که در آن‌ها افراد از یکدیگر حمایت کرده و به همدیگر کمک می‌کنند. این شبکه‌ها می‌توانند به‌عنوان یک سد محکم در برابر نفوذ ارزش‌ها و هنجارهای ناهنجار و کاهش آسیب‌های اجتماعی عمل کنند.

امر به معروف و نهی از منکر، همراه با نقش مهم روحانیون و نهادهای مذهبی، به‌عنوان ابزارهای مؤثر در کنترل اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع اسلامی عمل می‌کنند. این آموزه‌ها و نهادها با تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، همبستگی و اعتماد متقابل را در جامعه افزایش داده و از این طریق به کاهش جرم و انحرافات اجتماعی کمک می‌کنند. بنابراین، بهره‌گیری از این ظرفیت‌های دینی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار اساسی در پیشگیری از جرم و تقویت بنیان‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد (رجبی، طاهرآبادی، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۹).

۶. تطبیق آموزه‌های اسلامی با مفاهیم مدرن سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم

در دهه‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک عنصر کلیدی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناسی مطرح شده است. نظریه‌پردازان مدرن، مانند رابرت پاتنام، جیمز کولمن و پی‌یر بوردیو، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و هنجارهای مشترکی تعریف کرده‌اند که همکاری و همبستگی اجتماعی را تسهیل می‌کند. این نظریه‌ها به اهمیت نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش جرم و افزایش امنیت اجتماعی تأکید دارند. در اسلام نیز، همان‌طور که در بخش‌های قبلی بحث شد، مفاهیم مشابهی وجود دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تقویت سرمایه اجتماعی و کاهش جرم کمک می‌کنند. به‌طور مثال:

- **اعتماد متقابل:** در نظریه‌های مدرن، اعتماد یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی است. در اسلام، این مفهوم تحت عنوان توکل (اعتماد به خداوند) و همچنین اعتماد میان مردم مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن و سنت نبوی به اهمیت اعتماد در روابط اجتماعی پرداخته‌اند و آن را به‌عنوان عاملی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد یک جامعه متحد معرفی کرده‌اند.
- **شبکه‌های اجتماعی:** نظریه‌های مدرن سرمایه اجتماعی، بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی که افراد را به هم متصل می‌کنند، تأکید دارند. در اسلام نیز، مفاهیمی مانند امت (امت اسلامی) و جماعت (جامعه مسلمین) نشان‌دهنده اهمیت شبکه‌های اجتماعی قوی و متحد است. این شبکه‌ها از طریق مراسم دینی، مساجد و فعالیت‌های اجتماعی تقویت می‌شوند و نقش

مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی دارند.

- **هنجارهای مشترک و کنترل اجتماعی:** در نظریه‌های مدرن، هنجارهای مشترک و کنترل اجتماعی از طریق قوانین و مقررات اجتماعی اجرا می‌شود. در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای کنترل اجتماعی معرفی شده است. این آموزه اسلامی نه تنها به رعایت هنجارهای دینی کمک می‌کند، بلکه به تقویت سرمایه اجتماعی از طریق ترویج رفتارهای نیک و بازدارندگی از رفتارهای ناپسند می‌پردازد.

بنابراین، می‌توان گفت که مفاهیم اسلامی در بسیاری از جنبه‌ها با نظریه‌های مدرن سرمایه اجتماعی همخوانی دارند و حتی می‌توانند آن‌ها را در برخی موارد تقویت کنند. برای مثال، تأکید اسلام بر پیوندهای عمیق دینی و اخلاقی میان افراد جامعه، باعث می‌شود که سرمایه اجتماعی در جوامع اسلامی نه تنها بر مبنای منافع مادی و دنیوی، بلکه بر اساس ارزش‌های معنوی و اخلاقی نیز استوار باشد.

نتیجه‌گیری

گسترش اجتماعی سرمایه در جهان علم در دوران اخیر جایگاه خود را محکم کرده است و اکنون بر این باور هستند که از آن باید به عنوان یک مدل حل مسئله جایگزین برای تأمین امنیت اجتماعی و کاهش جرم و جنایت استفاده کرد. در این مطالعه، همان‌طور که در بسیاری از زمینه‌های علمی دیگر مشاهده می‌شود، شواهدی ارائه شده است که نشان می‌دهد کریمینولوژی نیز می‌تواند از سرمایه اجتماعی بهره‌برد و رابطه بین کنترل اجتماعی، سرمایه اجتماعی و جرم را بررسی می‌کند. در ادبیات مشاهده شده است که ابعاد متعدد سرمایه اجتماعی می‌تواند عاملی در پیشگیری از جرم باشد. به طور کلی، با در نظر گرفتن پروفایل عمومی مجرمان، مشاهده می‌شود که آنها در مقایسه با افرادی که درگیر جرم نشده‌اند، زمان کمتری را با خانواده، بستگان، دوستان و همسایگان می‌گذرانند، فعالیت‌های مشترک کمتری انجام می‌دهند، سطح اعتماد آنها به دیگران پایین‌تر است و احساس همکاری و همبستگی در محیط آنها ضعیف‌تر است. از طرف دیگر، در مناطقی که با اعتماد بال، همکاری و همبستگی، روابط گسترده و همکاری‌های فشرده مشخص می‌شوند، احساس تعلق به جامعه و عشق به آن قوی‌تر است و افراد را برای حفظ و ارتقای منافع مشترک جامعه انگیزه می‌بخشد. بنابراین، تصور بر این است که ایجاد حساسیت نسبت به انباشت سرمایه اجتماعی و حفظ و ارتقای این ثروت به نفع جامعه خواهد بود.

با توجه به رابطه بین کنترل اجتماعی، سرمایه اجتماعی و جرم، می‌توان از کنترل اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم بهره‌گرفت. افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی، ارتقای اعتماد و همکاری متقابل، تقویت احساس تعلق به جامعه و انگیزه برای حفظ منافع جمعی، همگی از جنبه‌های کنترل اجتماعی هستند که می‌توانند به عنوان سرمایه اجتماعی در کاهش جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنند. بنابراین، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم برای افزایش سرمایه اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی در جوامع می‌تواند راهکار مناسبی برای پیشگیری از جرم و ارتقای امنیت اجتماعی باشد.

این پژوهش به بررسی و تحلیل نقش کنترل اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که مفاهیم اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، اعتماد و همبستگی اجتماعی، علاوه بر همخوانی با نظریه‌های مدرن سرمایه اجتماعی، توانایی ارتقاء و تقویت این نظریات را دارند. آموزه‌های اسلامی، با ایجاد شبکه‌های اجتماعی مستحکم و تقویت هنجارهای مشترک، نقش مهمی در کنترل اجتماعی و کاهش نرخ جرم ایفا می‌کنند.

در این راستا، نهادهای مذهبی مانند مساجد و روحانیون به‌عنوان ابزارهای مؤثر در ترویج و اجرای این آموزه‌ها، می‌توانند به‌طور مستقیم بر کاهش جرم و ایجاد همبستگی اجتماعی تأثیر بگذارند. تجربه‌های عملی از جوامع اسلامی مانند مالزی و ایران نشان می‌دهد که بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار عملی و مؤثر در پیشگیری از جرم و تقویت سرمایه اجتماعی به کار گرفته شود.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که ادغام آموزه‌های اسلامی با نظریات مدرن سرمایه اجتماعی نه تنها به فهم بهتر و عمیق‌تر این مفاهیم کمک می‌کند، بلکه راهکارهای عملی مؤثری برای کاهش جرم و افزایش همبستگی اجتماعی در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد.



فهرست منابع

- احمدی شاپور آبادی، محمد علی؛ معین آبادی، حسین (۱۳۸۸). *دییاجه‌ای بر سرمایه اجتماعی*، یاس راهبری، شماره ۱۹.
- افسری، علی (۱۳۹۱). *سرمایه اجتماعی در اسلام*. پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، (۱)۳.
- امینی دادانی، مصطفی؛ موسوی، میر طاهر؛ رفیعی، حسن (۱۳۹۰). «رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران، مجله رفاه اجتماعی»، سال ۱۱، شماره ۴۲.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: نشر شیرازه.
- حمیدی زاده، علی؛ ظفری، هادی؛ بابایی گواری، سلمان (۱۳۹۸). *سرمایه اجتماعی از منظر قرآن؛ مؤلفه‌ها، عوامل، راهبردها. مدیریت سرمایه اجتماعی*، (۲)۶.
- خراسانی، سمیرا؛ مسعود، غلامحسین؛ شکرچی زاده، محسن (۱۴۰۱). «نگاهی بومی به نظریه کنترل اجتماعی جرم با توجه به مبانی اسلامی - ایرانی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲۰.
- درویش، صیاد (۱۴۰۱). «فرا تحلیل پژوهش‌های سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم با رویکرد فراملی، فصلنامه تحقیقات حقوقی»، دوره ۱۵، شماره ۵۷.
- رجبی (دوانی)، محمدحسین؛ طاهرآبادی، امین (۱۳۹۱). *روحانیت شیعی و نقش سیاسی- اجتماعی آنان در جامعه ایران (با تاکید بر نقش مقام معظم رهبری در مدیریت تحولات پس از انتخابات سال ۸۸). پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*، (۶)۲.
- شماعی، علی؛ شاهی میرزاده، محمد (۱۳۹۷). «بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلانشهرها با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین»، فصلنامه سپهر، دوره ۲۱، شماره ۸۳.
- عباس زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ اسلامی، سید رضا (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین سلامت اجتماعی و آئومی اجتماعی»، دوره ۱، شماره ۱.
- عشایری، طاهّا؛ عباسی، الهام؛ ذوالفقاری، اکبر (۱۳۹۹). «فرا تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به جرم»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۴.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۹۳). «مدیریت پیشگیری از جرم در ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، دوره ۲، شماره ۸.
- قادر زاده، مژگان؛ زارع زردینی، احمد؛ زارعی محمودآبادی، سید سعید (۱۴۰۱). «بازکاوی عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر نهاده‌سازی هنجارهای اجتماعی از دیدگاه امام علی»، پژوهش نامه علوی، دوره ۱۳، شماره ۲۵.
- کلاتتری، صمد؛ گنجی، محمد (۱۳۸۴). *بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی اقتصادی، اطلاعات سیاسی اقتصادی*.
- مرزاوی، محسن (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی»، یاس راهبری، شماره ۱۶.
- نوغانی دخت بهمنی، محسن؛ سید محمد تبار، سید احمد (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم، پژوهش‌های راهبردی مسائل

اجتماعی»، دوره ۴، شماره ۳.

نیازی، محسن؛ شفايي مقدم، الهام؛ شادفر، یاسمن (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شماره ۱ و ۲ تهران»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال ۲، شماره ۳.

وی کلارک، رونالد؛ آک، جان (۱۳۸۷). *جرم‌شناسی پیشگیری*، ترجمه محمد مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، تهران: دفتر تحقیقات انتظامی.

Reference

ALTUN, Nurullah (2011) Sosyal Sermayenin Çocuk ve Genç Suçluluğuna Etkisi, Yayınlanmamış Doktora Tezi, Sakarya Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.

AKÇOMAK, İ. Semih. ve Weel, Bas ter (2008) "The Impact of Social Capital on Crime: Evidence from the Netherlands", UNU-MERIT Working Paper Series No.2008-042.

AKDOĞAN, A. Argun, (2006) "Siyasal Kültür ve Sosyal Sermayenin Karşılaştırılması: Türkiye için Bazı Çıkarımlar", Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, S. 12.

ARROW, Kenneth J., (1999), "Observations on Social Capital", Social Capital a Multifaceted Perspectives, (Eds. Partha Dasgupta ve Ismail Serageldin), The World Bank, Washington D. C.

BOURDIEU, Pierre (2010). "Sermaye Biçimleri" (Çev. Mehmet M. Şahin). Sosyal Sermaye: Kuram-Uygulama-Eleştiri (Der. Mehmet Murat Şahin ve Ahmet Zeki Ünal), Değişim Yayınları, 45-75.

BOURDIEU, Pierre ve Wacquant, Loic J. D (2003) Düşünsel Bir Antropoloji İçin Cevaplar, (Çev. Nazlı Ökten), İletişim Yayınları: İstanbul.

COLEMAN, James. S (1988): "Social Capital in the Creation of Human Capital," American Journal of Sociology, C. 94.

COLEMAN, James. S (1994) Foundations of Social Theory, the Belknap Press of Harvard University Press: Cambridge.

DOLU, Osman (2010) Suç Teorileri: Teori, Araştırma ve Uygulamada Kriminoloji, (2. Baskı), Seçkin Yayınları: Ankara.

FIELD, John, (2006) Sosyal Sermaye (Çev. Bahar Bilgen ve Bayram Şen), Bilgi Üniversitesi Yayınları: İstanbul.

FISHER, Roger ve Brown, Scott, (1989) Getting Together, Business Books.

FUKUYAMA, Francis (1997) Social Capital, Tanner Lecture on Human Values. Brasenose College: Oxford, 17.12.2008

<http://www.tannerlectures.utah.edu/lectures/documents/Fukuyama98.pdf>

FUKUYAMA, Francis (1999) Büyük Çözülme, İnsanın Doğası ve Toplumsal Düzenin Yeniden Oluşumu, (Çev. Zeynep Avcı, Aslı Telli Aydemir), Sabah Kitapları: İstanbul.

FUKUYAMA, Francis (2001) "Social Capital, Civil Society and Development", Third World Quarterly, C.

22 (1).

FUKUYAMA, Francis (2005) Güven: Sosyal Erdemler ve Refahın Yaratılması, (Çev.) A. Buğdaycı, Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları: İstanbul.

GALEA, Sandro; Karpati, Adam ve Kennedy, Bruce (2002) "Social Capital and Violence in the United States, 1974-1993". Social Science ve Medicine, C. 55, 1373-1383.

GATTI, Uberto; Tremblay, Richard E. ve Larocque, Denis (2003) "Civic Community and Juvenile Delinquency: A Study of Regions of Italy," British Journal of Criminology, C. 43(1), 22-40.

GRANOVETTER, Mark S (1973) "The Strength of Weak Ties", The American Journal of Sociology, C. 78 (6), 1360-1380.

HIRSCHI, Travis (1972) Causes of Delinquency, University of California Press: Los Angeles.

İÇLİ, Tulin ve Burcu, Esra, (1993) "İnformel Sosyal Kontrolün Sağlanmasında Ailelerin Gelir ve Eğitim Düzeyinin Önemi: Ankara'da Uygulamalı Bir Çalışma" Hacettepe Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Dergisi, C. 10, S.1, 43-56.

JACOBS, Jane (1965) The Death and Life of Great American Cities, Penguin Books.

KIZMAZ, Zahir (2005a) "Göç ve Yoksulluğun Patolojisi: Siyasal Şiddetten Sosyal Şiddete", Sosyoloji Araştırmaları Dergisi, 8 (1), 85-114.

KOSGEB (2005) Ekonomik Kalkınma Sosyal Sermayenin Rolü, Ankara.

LEDERMAN, D., N. Loayza, ve A. M. Menendez (2002): "Violent Crime: Does Social Capital Matter?" Economic Development and Cultural Change, C. 50 (3), 509-539.

LOCHNER, Kimberly; Kawachi, Ichiro ve Kennedy, Bruce P., (1999), "Social Capital: a Guide to its Measurement" Health & Place, C. 5, 259-270.

MESSNER, Steven F., Baumer, Eric P. ve Rosenfeld, Richard (2004): "Dimensions of Social Capital and Rates of Criminal Homicide," American Sociological Review, C. 69 (December), 882-903.

ÖZBAY, Özden, (2008) "Does Social Capital Deter Youth From Cheating, Alcohol Use, and Violence in Turkey? Bringing Turkey in." Journal of Criminal Justice C. 36.

ÖZEN, Şükrü ve Aslan Zuhul, (2006) "İçsel Ve Dışsal Sosyal Sermaye Yaklaşımları Açısından Türk Toplumunun Sosyal Sermaye Potansiyeli: Ortadoğu Sanayi Ve Ticaret Merkezi (OSTİM) Örneği", Akdeniz İ.İ.B.F. Dergisi, C. 12 (2).

PORTES, Alejandro, (1998) "Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology", Annual Review of Sociology, C. 24.

PUTNAM, Robert. D (Leonardi Robert ve Nanetti, Raffaella Y. ile birlikte) (1993) Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton University Press, Princeton NJ.

PUTNAM, Robert D (1995) "Bowling Alone: America's Declining Social Capital," Journal of Democracy, S. 6 (1), 65-78. 02/02/2010.

PUTNAM, Robert D (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon & Schuster: New York.

PUTNAM, Robert D (2001) "Social Capital: Measurement and Consequences", <http://www.oecd.org/dataoecd/25/6/1825848.pdf>, 24.09.2010.

PUTNAM, Robert D (2002) "Bowling Together" *The American Prospect* <http://www.prospect.org/cs/articles?articleId=6114>, 23.10.2010.

ROSENFELD, Richard; Messner, Steven F., ve Baumer, Eric P (2001): "Social Capital and Homicide," *Social Forces*, C. 80 (1).

SALMI, V. ve Kivivuori, J (2006). *The Association between Social Capital and Juvenile Crime: The role of Individual and Structural Factors*, *European Journal of Criminology*, C. 3.

ZHONG, LenaY (2009) *Communities, Crime and Social Capital in Contemporary China*, Willan Publishing: UK.

